

آب یکی از جاذبه‌های اصلی در صنعت گردشگری است.سواحل دریاها و اقیانوس‌ها، امتداد رودخانه‌ها، اطراف آبگیرها و تالاب‌ها میلیون‌ها گردشگر خواهان تفریح و آرامش و یا ماجراجویی را به خود جذب می‌کند. تاریخچه این صنعت نشان می‌دهد که سفرهای ساحلی که بعدها به(3s (sea,sun,sand معروف شدند از اولین انواع گردشگری مورد علاقه انسان‌ها بوده است. ارزش اقتصادی و اهمیت آب در جذب گردشگر به اندازه‌ای است که امروزه اگر منطقه‌ای فاقد و یا به دور از منابع آبی طبیعی و مناسب جهت توسعه باشد، مسئولان برای ایجاد شکل‌های انسان‌ساخت آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، دریاچه‌ها و آبشارهای مصنوعی، استخر، حوض و آب‌نماهای شهری، ترکیب رقص آب با موسیقی و نور نمونه‌هایی از این دست هستند. آب چشم‌اندازهای طبیعی را در ذهن گردشگر ماندگارتر می‌کند. صدای آب نیز آرامش‌بخش است و این تجربه‌ای است که در دو دهه گذشته کارشناسان و پزشکان فعال در بخش گردشگری طبیعت‌درمانی (بهره‌گیری از طبیعت برای درمان مشکلات روحی و بیماران روانی) کسب کرده‌اند. همچنین وجود یک منبع آب حتی کوچک، سبب تعدیل درجه حرارت و ایجاد رطوبت در هوا می‌شود. این نکته در مطالعات اقلیم آسایش به‌خصوص در بخش گردشگری طبیعت‌مدار بسیار مورد توجه است.

عنصر آب در پیشینه گردشگری ایرانی‌ها

این یک حقیقت است که ایرانیان گرایش همیشگی برای نزدیک بودن به منابع آبی داشته‌اند. جدا از نیاز طبیعی انسان به آب، خشک بودن اغلب مناطق ایران باعث می‌شد که اگر قرار بر تغییر آب و هوا، تفریح و به‌طور کلی نزدیک شدن به طبیعت باشد، ساکنین این سرزمین مناطقی پرآب‌تر را انتخاب کنند. همه معابد الهه آناهیتا و اغلب نیایشگاه‌های دیگر ایران باستان در نزدیکی چشمه‌ها و سراب‌ها ساخته شده‌اند. در دوره‌های بعدتر عنصر آب با تأکید بیشتر بر کاخ‌ها

بررسی تأثیر شرایط کنونی دریاچه‌ارومیه بر صنعت گردشگری کشور

مینو حسنی



دریاچه ارومیه در حال حاضر / رضا ونوفی

و باغ‌های ایرانی کاربرد پیدا کرد. خانه‌ها قسمتی بنام حوضخانه داشتند و حتی سقاخانه‌ها به بخشی مقدس از اماکن مذهبی ما تبدیل شدند. امروزه هم سلیقه و انتخاب ما ایرانی‌ها برای گردش و تفریح خیلی متفاوت با گذشته نیست. هنوز هم یکی از عمده‌ترین دلایل گردشگران مناطق شمالی کشور دیدن دریای خزر و تنی به آب زدن است. دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌هایی که در دیگر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند از این قاعده مستثنی نیستند. کافی است که در تعطیلات آخر هفته سری به یکی از این منابع آبی بزنید فرقی ندارد چه فصلی باشد، گروه‌های مختلفی بساط چادر و کباب به‌راه انداخته‌اند و …

و حال، دریاچه ارومیه که زیبا بود وگردشگرپذیر

همه می‌دانیم که در ایران لیست بی‌انتهایی از سایت‌های طبیعی را داریم که قابل توسعه جهت گردشگری هستند. دو راه پیش روی ماست: یا این منابع را حفاظت کنیم برای روزی که دانش و علوم وابسته به صنعت توریسم و فرهنگ گردش به شکلی صحیح وارد ایران شود و ما متخصصینی کارکشته در این رابطه داشته باشیم، یا این‌که تا آن‌جا که توان داریم در جهت بهره‌برداری‌های صنعتی و یا حتی تفرج‌های بی‌قاعده و غیرکارشناسانه این منابع را تخریب کنیم. تجربه تلخ دریاچه ارومیه بی‌شک از نوع دوم است.

در حالی‌که حتی کشورهای بسیار کوچک جهان که بعضاً کمتر بهره چشمگیری از منابع طبیعی ندارند، پیگیرانه به دنبال ایجاد بسترهای توسعه اکوتوریسم در کشورهایشان هستند، ما در حال نابود کردن این منابع هستیم. اکوتوریسم (به معنای واقعی کلمه) نوعی فعالیت تفکرمدار است که امروزه یک هدف عمده را در جهان دنبال می‌کند و آن توسعه در عین حفاظت است. و این همان است که همه ذی‌نفعان گردشگری از دولت و سرمایه‌گذار بخش خصوصی گرفته تا خود گردشگران و جوامع محلی به دنبال آن هستند.

گرچه ما مطمئناً برای دریاچه ارومیه برنامه‌ریزی درست و بلندمدت گردشگری نداشته‌ایم، اما نکته این‌جاست که با تخریب روزانه دریاچه ارومیه همه پتانسیل‌های گردشگری طبیعی آن از بین رفته و خواهد رفت. ساخت پل شهید کلانتری گرچه با اسم توسعه گردشگری و با هدف دسترسی راحت‌تر و لذت بیش‌تر گردشگران ساخته شد، اما عملاً تیشه بر ریشه گردشگری آذربایجان بزرگ زد. هیچ مسافری دوست ندارد سفر کند، برای دیدن کیلومترها زمین نمکین خشک در ابتدا و انتهای این پل نخراشیده! در حالی‌که می‌داند در روزگاری نه‌چندان دور این زمین‌ها بستر دریایی افسونگر و موج به نام دریاچه ارومیه بوده‌اند، با متوسط عمق شش متر. یکی از ۲۰ دریاچه بزرگ جهان که در فصول مختلف با توجه به میکرواقلیم‌های غالب به رنگ‌های "قرمز"، "صورتی"، "سبز" و "نارنجی" دیده می‌شد دریاچه‌ای رنگین کم‌انی.

حداقل تجربه‌ای که گردشگران تفریحی هنگام بازدید از این دریاچه کسب می‌کردند دیدن چشم‌اندازهایی آرامش‌بخش از یک پهنه آبی زنده و پرحلاطم بود که دیگر نیست! در حال حاضر، وسعت دریاچه از ۵۵۰ هزار هکتار به ۲۵۰ هزار هکتار رسیده است. نمودار تراز آب این پارک ملی طی ۱۲ سال گذشته روند نزولی را طی می‌کند به‌طوری که از سال ۱۳۸۴ به اندازه ۶/۵ متر کاهش تراز آب در آن دیده می‌شود.
تبخیر ۵/۵ میلیارد متر مکعبی آب دریاچه در مقابل ورودی ۱/۵میلیارد متر مکعبی آن باعث شوره‌زارشدن ۱۲۰ هزار هکتار از سطح پارک ملی دریاچه ارومیه شده است. بر اثر کاهش ارتفاع آب، پنج جزیره دریاچه به خشکی متصل شده‌اند. با این اوصاف به‌طور قطع دیگر چشم‌انداز طبیعی دلچسبی برای گردشگر باقی نمانده است.

دریاچه ارومیه منبعی قابل مطالعه و برنامه‌ریزی برای توریسم درمانی در سطح ملی و منطقه‌ای بود. در حالی‌که عقب‌نشینی آب دریاچه، خشک شدن لجن‌های سواحل و از بین رفتن خواص درمانی آن‌ها این فرصت گردشگری با اهمیت را نیز از ما گرفته است. همچنین میزان شوری آب باعث شده بود که شناگران به راحتی بر سطح آب باقی بمانند. این یک امتیاز منحصر به فرد از جهت امنیت جانی در گردشگری است. ما می‌توانستیم برای توسعه توریسم ساحلی در سواحل دریاچه و جزایر آن برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و البته سودآوری داشته باشیم. تا همین چند سال پیش گردشگران حرفه‌ای‌تر و اکوتوریست‌ها با آگاهی بیشتر و هدفمند برای انجام فعالیت‌هایی وابسته به طبیعت دست‌نخورده دریاچه ارومیه به منطقه می‌آمدند. به نمونه‌های ذیل دقت کنید:

"چی‌چست" اسطوره‌ای به علت فلامینگوهایش بین پرنده‌نگرها (birdwatchers) بسیار محبوب بوده. غیر از گونه‌های بومی در اطراف و یا جزیره‌های دریاچه، پرندگان دیگری هم با شروع فصول سرما از عرض‌های شمالی‌تر به دریاچه ارومیه پناه آورده و یا از آن عبور می‌کردند. با وضعیت اسف‌بار کنونی دیگر پرنده‌ای برای پرنده‌نگرها نمانده. فلامینگوها یا مرده‌اند، یا به علت غلظت بالای نمک کور شده‌اند و یا برای همیشه از ارومیه خداحافظی کرده‌اند. وجود روستاها و آبادی‌های فراوان اطراف دریاچه که به علت سابقه تاریخی و تمدن هزاران ساله آذربایجان بزرگ، از غنای فرهنگی بالایی برخوردار هستند عاملی برای توسعه توریسم روستایی به حساب می‌آید. بسیاری از افراد هستند که برای تجربه باغداری به مدت چند ساعت و یا چند روز در لابلای باغ‌های سیب و تاکستان‌ها هزینه می‌کنند و این معادل با همان شاخه رو به توسعه گردشگری در جهان به نام توریسم کشاورزی است. دریاچه ارومیه که خشک شود زمین‌های

کشاورزی و باغات اطراف به علت وزش بادهای نمکی نیز از بین خواهند رفت. دریاچه ارومیه فقط یک دریاچه معمولی نیست. پارک ملی و یکی از ۵۹ ذخیره‌گاه زیستکره بر روی کره زمین. جزیره اشک، زیستگاه پرندگان زیبای کوچنده از جمله مرغ آتش و تنجه و نیز گوزن زرد ایرانی است. می‌شد از این امتیاز ویژه در جهت جذب گردشگران علاقه‌مند به طبیعت بکر و حیات وحش بهره جست و پارک ملی ارومیه را به یک مقصد گردشگری بین‌المللی تبدیل کرد که در آن گردشگری دریایی نیز رونق می‌گرفت. (نزدیکی دریاچه به ترکیه نیز عامل مثبت برای دستیابی به این هدف به‌شمار می‌آمد)

گردشگران محقق و پژوهشگر علوم زیست‌محیطی و زمین‌شناسی و دیگر علوم، گروهی دیگر از بازدیدکنندگان با علایق ویژه هستند که دریاچه ارومیه به نوعی آن‌ها را هم از دست داد. این‌ها گردشگرانی هستند که با مطالعات و پژوهش‌های خود به حفاظت و توسعه پایدار اکوسیستم‌ها، فرهنگ و یا حتی آثار تاریخی موجود در منطقه کمک می‌کنند. البته فرصت هنوز باقی است. با ادامه روند تخریب دریاچه ارومیه و در آینده‌ای نزدیک می‌توانیم برای جذب محققینی که درباره دلایل و چگونگی ناپدید شدن یک عارضه ارزشمند طبیعی تحقیق می‌کنند برنامه‌ریزی کنیم.

گردشگری شهری نیز از این پیامدها در امان نخواهد ماند. خشکی یک دریاچه عظیم مانند ارومیه و به جا ماندن تلّ عظیمی از نمک و کیلومترها زمین خشک در تغییر آب و هوای منطقه و طبیعتا شهرهای اطراف مانند ارومیه و تبریز تأثیر خواهد گذاشت. با این روند دریاچه نیلگون چی‌چست هم مانند دریاچه آرال به تاریخ می‌پیوندد. تغییر مسیر رودخانه‌های آمودریا و سور دریا همان کاری را با آرال کرد که پل شهید کلانتری با دریاچه ارومیه. خشک شدن آرال طوفان شن و نمک که حامل غبارهای سمی کشاورزی بود را برای مردم به ارمغان آورد و خدا می‌داند خشک شدن دریاچه ارومیه چه بر سر شهرهای شمال غربی ایران خواهد آورد. بی‌شک هیچ گردشگری برای دیدن چنین شهری بار سفر نخواهد بست. جای هیچ بحثی نیست که توسعه پایدار گردشگری طبیعی در پارک‌های ملی مزایای اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی دارد به‌طوری‌که کمتر کشوری است که به‌راحتی از این امتیازات چشم‌پوشی کرده باشد. آن هم با تخریب منابع گردشگری خود. این ادعا درست است که پارک ملی جائی است که مسئولانه تحت حفاظت قرار داشته و در آن مدیریت گردشگری نیز اعمال می‌شود. صد افسوس که دریاچه ارومیه ما نه محافظت مسئولانه‌ای را تجربه کرد و نه مدیریت گردشگری را!

مرگ دریاچه ارومیه مساوی است با رکود گردشگری داخلی و ورودی در آذربایجان بزرگ و کلیه مناطقی که به نوعی تحت تأثیر این پدیده غم‌انگیز قرار خواهند گرفت. آن‌چه در بالا آمد تنها ذکر مواردی از انواع فعالیت‌های گردشگری است که به علت تخریب اکوسیستم بسیار ارزشمند دریاچه ارومیه در آینده‌ای نزدیک دیگر قابل برنامه‌ریزی و اجرا نیستند. در حالی‌که تغییرات اقتصادی ناشی از توسعه توریسم در منطقه و درآمدزایی، ایجاد بسترهای حفاظت محیط زیست، فرهنگ‌سازی و … مباحثی جداگانه از این دست هستند که باید مفصل مورد بررسی قرار گیرند.

● **منابع:**مجنونیان، هنریک،۱۳۷۶، طرح‌ریزی پارک‌های ملی،سازمان حفاظت محیط‌زیست.

رضا ونوفی